

نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران

منصور زراء نژاد*

امیر حسین منتظر حجت**

چکیده

این مقاله به بررسی مشارکت اقتصادی، اشتغال و بی‌کاری زنان ایران در دوره‌ی ۱۳۵۵-۱۳۸۱ می‌پردازد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که علی‌رغم پیشرفت‌های نسبی طی دهه‌های گذشته، میزان فعالیت و اشتغال زنان در ایران نسبت به مردان ایران و زنان کشورهای دیگر پایین‌تر است. این حقیقت که میزان فعالیت زنان برای مدت چهار سال بدون تغییر باقی مانده است، نیاز به توجه جدی دارد. با این وجود، هنوز به اهمیت و لزوم شرکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت مستقیم در تولید ملی به دلایل زیادی توجه شایسته‌ای نشده است.

واژه‌های کلیدی:

مشارکت اقتصادی، میزان فعالیت اقتصادی، زنان، اشتغال، نیروی کار، ایران.

مقدمه

بحث مشارکت اقتصادی نیروی کار در اقتصاد ایران دارای اهمیت فراوانی است. تاکنون، توسعه‌ی اشتغال در سرلوحه‌ی کار همه‌ی برنامه‌های توسعه‌ی ایران بوده است. دستیابی به سطح بالای اشتغال بستگی به عوامل متنوعی دارد و با موانع گوناگونی نیز رو به روست. عدم کفایت لازم در اشتغال‌زایی، میزان پایین فعالیت

اقتصادی، بی‌کاری و به خصوص کمبود تقاضای نیروی کار از مشکلات اصلی بازار

* استادیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز

** مربی گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز

کار در ایران به شمار می‌رود. برای حل همه‌ی این مشکلات، به طراحی و به کارگیری سیاست‌های استخدامی مؤثر و جسورانه نیاز شدیدی است که باید با یک برنامه‌ی همه‌جانبه همراه باشد. باید چنین سیاست‌هایی به عنوان تعهدات ملی ایجاد و حمایت شود. با این وجود، آشکار است که سیاست‌های اشتغال نمی‌تواند به اهداف وسیع‌تری دست یابد، مگر آن که توجه ویژه‌ای به استخدام زنان بشود.

بنابراین، این مقاله به فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان در ایران به صورت ویژه می‌پردازد. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که فعالیت اقتصادی زنان و میزان اشتغال زنان بسیار پایین است. البته، میزان اشاره شده برای مردان در ایران نیز در مقایسه با کشورهای دیگر پایین است؛ ولی توجه اصلی در این جا به زنان محدود شده است. این مقاله به سه بخش تقسیم می‌شود. بخش اول به پیشینه‌ی تحقیق به اختصار می‌پردازد. بخش دوم به جمعیت زنان فعال اقتصادی و دلایل پایین بودن میزان فعالیت زنان می‌پردازد. بخش سوم مربوط به استخدام زنان است که شامل میزان استخدام و بی‌کاری و ساعات کار است. بخش چهارم به اشتغال زنان اختصاص دارد. سواد زنان و حمایت‌های قانون کار از زنان به ترتیب در بخش‌های پنجم و ششم بررسی می‌شود تا برخی از دلایل پایین بودن میزان استخدام زنان روشن شود. بخش هفتم به پایین بودن فعالیت اقتصادی زنان و نیاز زنان به اشتغال و تمایز بین فعالیت‌های زنان و مردان می‌پردازد. دلایل مشارکت اندک زنان در فعالیت‌های اقتصادی در این بخش بررسی می‌شود. بخش هشتم خلاصه‌ای از استخدام زنان در جهان است. آخرین بخش به نتیجه‌گیری از یافته‌های اصلی تحقیق می‌پردازد.

۱- پیشینه‌ی تحقیق

اگر چه فعالیت‌های اقتصادی زنان یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصاد است، به ندرت در مباحث اقتصادی به صورت جدی مطرح شده است. در بیشتر بحث‌هایی

که در ایران در مورد فعالیت اقتصادی و اشتغال صورت گرفته است، به مشارکت اقتصادی و استخدام زنان به صورت شایسته پرداخته نشده است. در این میان سهیلا علیرضائزاد در رساله‌ی کارشناسی ارشد خود (۱۳۷۳) به بررسی مشارکت زنان در فعالیت‌های تولیدی و دگرگونی آن با ورود تکنولوژی: مطالعه‌ی فعالیت‌های زراعی زنان روستایی گیلان (روستای گوهردان) پرداخته است. وی در این تحقیق نشان داده است که با ورود تکنولوژی و تسلط کشت تجاری در منطقه‌ی مورد بررسی از میزان فعالیت زنان کاسته شده است و فعالیت زنان هم چنان در مناطقی که هنوز تکنولوژی نوین در آن‌ها نفوذ نکرده است، متمرکز شده است. این در حالی است که در شیوه‌ی کار زنان روستایی تغییری ایجاد نشده و تکنولوژی بیشتر بر کمیت کار زنان مؤثر بوده است. ضمناً ورود تکنولوژی به حیثه‌هایی از کار زنان موجبات انتقال این وظایف را به حوزه‌ی فعالیت مردانه فراهم کرده است.

حسین رسول‌پور عربی (۱۳۷۶) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی نقش زنان در فعالیت‌های روستایی شهرستان رامسر پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بیش از ۹۶ درصد از زنان روستایی، حداقل دارای یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده بودند. اما نوع و میزان فعالیت‌های اقتصادی آنان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. نتایج هم چنین نشان می‌دهد که زنان روستایی فعال در اقتصاد روستا و خانواده، خود مالک عوامل تولید نیستند. به همین دلیل علی‌رغم حضور گسترده در فعالیت‌های اقتصادی در استفاده از اعتبارات دولتی با موانع متعددی رو به رو هستند. این تحقیق نشان می‌دهد که انگیزه‌ی فعالیت بیش از ۸۷ درصد از زنان مورد مطالعه، نیازهای اقتصادی خانواده بوده است. این مسأله اهمیت حضور زنان خانه‌دار روستایی را در فعالیت‌های متعدد اقتصادی در جهت کمک به اقتصاد خانواده و رها کردن خانواده روستایی از فقر مطلق نشان می‌دهد.

مهرنوش میرزایی بافقی (۱۳۷۸) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی بهره‌وری و دستمزد نیروی کار زنان و مردان در بخش کشاورزی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که بهره‌وری نیروی کار زنان مزدبگیر کمتر از نیروی کار مردان

مزدبگیر است. این امر به نوبه‌ی خود باعث تبعیض دستمزدی بین نیروی کار زنان و مردان شده است.

وزرات آموزش و پرورش (۱۳۶۹) نحوه‌ی مشارکت زنان در آموزش فنی و حرفه‌ای را در رشته‌های مناسب با آنان در سال‌های ۶۸ و ۶۹ بررسی کرده است. در این بررسی چگونگی نحوه‌ی مشارکت زنان در مشاغل فنی و حرفه‌ای قبل و بعد از انقلاب با هم مقایسه شده و دیدگاه‌های موجود در رابطه با اشتغال زنان و معایب و محاسن آن بیان شده است. علاوه بر آن، اثرات جانبی و منفی کار خارج از خانه‌ی زن بر خانواده و جامعه مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان این تحقیق، مطالعه‌ای تطبیقی از آموزش و اشتغال زنان در ایران در مقایسه با چند کشور از جمله آلمان، ژاپن و هند صورت گرفته است.

مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰) در پژوهشی به بررسی ساز و کارهای مناسب در ایجاد فرصت‌های اشتغال زنان در بخش‌های دولتی طی دوره‌ی ۱۳۷۹-۱۳۸۰ پرداخته است. در این تحقیق ارتقای کمی و کیفی اشتغال زنان در بخش‌های دولتی از طریق بازنگری سیاست‌های فعلی اشتغال زنان و مهندسی مجدد ساختار آن برآورد و ارزشیابی شده است (وزرات کشور، مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰).

لیلا عظیمی (۱۳۸۰) در رساله‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان مطالعه‌ی موردی زنان شهر شیراز به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که بین شاخص‌های پایگاه اقتصادی (درآمد و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی) و جهت‌گیری ارزش‌یابانه، احساسی و شناختی رابطه‌های معناداری وجود دارد. اما بین درآمد و جهت‌گیری احساسی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود ندارد. هم چنین، مشاهده شد که بین شاخص‌های پایگاه اجتماعی (شغل، تحصیلات، گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی و سنت‌گرایی) و جهت‌گیری ارزش‌یابانه (به غیر از گستره‌ی شبکه‌ی ارتباطی) رابطه‌های مثبت و معناداری وجود دارد.

سید رضا نقیب‌السادات (۱۳۸۱) در مقاله‌ای به بررسی وضعیت زنان در روند جهانی شدن پرداخته است. در این مقاله تعریف مفهوم جهانی شدن، دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این خصوص و سهم فعالیت زنان در روند توسعه بررسی شده

است. نتیجه‌ی تحقیق نشان می‌دهد که ۶۷ درصد از ساعات کار در جهان به زنان تعلق دارد، ولی زنان کمتر از یک درصد از دارایی جهان را در اختیار دارند. نیهار رآن جان و سآن جای کومار (Nihar Ranjan Mishra & Sanjay Kumar Mohanty, 2003) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی نقش نیروی کار در ایالت‌ها و مناطق هندوستان» نشان دادند که ایالاتی که فقر بیشتری دارند، تمرکز بیشتری بر کارگران کشاورزی دارند. در بخش کشاورزی حضور زنان بسیار چشمگیر بوده است. با این وجود، علی‌رغم افزایش میزان مشارکت زنان، وضعیت اقتصادی آنان بهبود نیافته است.

پنی بست (P. Basset, 1994) در تحقیقی به بررسی میزان مشارکت زنان در کشور کانادا پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که مشارکت زنان بین سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۲ در اثر رکود اقتصادی اندکی کاهش داشته است. کاهش میزان مشارکت زنان جوان‌تر بیشتر از سایر زنان بوده است. با توجه به این که زنان جوان بیست درصد نیروی کار زنان را در کانادا تشکیل می‌دهند، کاهش‌های سریع مشارکت این گروه با رشد ضعیف زنان مسن‌تر همراه شده و در مجموع باعث افت میزان مشارکت زنان شده است. در حالی که مشارکت زنان زیر ۴۵ سال در سال‌های اخیر روندی کاهشی داشته است. این میزان برای زنان ۴۵ تا ۵۰ سال افزایش یافته است.

تیم کالان و دیگران (T. Callan, 1998) در تحقیق خود به بررسی عرضی کار زنان و عدم تساوی درآمد زنان و مردان در ایرلند طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴ پرداخته‌اند. نتایج حکایت از افزایش همبستگی بین درآمد زوجین، در دوره‌ی مورد مطالعه دارد. در عین حال، افزایش مشارکت زنان و افزایش میزان دستمزد آن‌ها (بین ۲۰ تا ۵۰ درصد) باعث کاهش تبعیض درآمد میان مردان و زنان در ایرلند شده است. سایر عواملی که باعث کاهش این تبعیض شده است، به درآمد زنان بستگی ندارد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که با وجود افزایش سریع میزان مشارکت زنان، درآمدهای آنان در سال ۱۹۹۴ هم چنان تنها پانزده درصد از کل درآمد خانوار را تشکیل می‌داده است.

لینگ یانگ (Y. Ling, 2000) در مقاله‌ای به بررسی آموزش، میزان مشارکت زنان متأهل، باروری و رشد اقتصادی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که فزاینده

بودن هزینه‌های فرصت داشتن فرزند باعث کاهش تمایل زنان به فرزنددار شدن و افزایش تمایل آن‌ها به فعالیت اقتصادی شده است. هم چنین مدل ارائه شده در این مقاله با استفاده از آمارهای اجتماعی تایوان نشان می‌دهد که در مراحل مختلف توسعه اقتصادی، هر چه هزینه‌های آموزش بیشتر باشد، میزان مشارکت زنان بالاتر است و افزایش مشارکت زنان سهم مهمی در رشد پایدار اقتصادی دارد.

امیل دلبنو (E. Delbano, 2002) در تحقیقی به مطالعه‌ی میزان کل باروری و مشارکت زنان در انگلستان و ایتالیا پرداخته است. در این بررسی فرضیه‌ی رابطه‌ی بی‌کاری با میزان مشارکت و باروری زنان در دو کشور ایتالیا و انگلستان مورد آزمون قرار گرفته است.

پائول بیوردی و دیگران (P. Beaudry, 1998) در مقاله‌ای به بررسی میزان مشارکت زنان در کانادا بین سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۹۴ پرداخته‌اند. در این بررسی تأثیرات شرایط سنی و نیز عوامل کلان اقتصادی بر میزان مشارکت نیروی کار زنان در کانادا بررسی شده است. نتیجه‌ی اصلی این تحقیق نشان می‌دهد که میزان مشارکت زنان از ثبات نسبی برخوردار است. ثابت ماندن میزان مشارکت و استخدام زنان یک نوع پدیده ساختاری است.

۲- جمعیت فعال اقتصادی زنان در ایران

زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. در این مورد که زنان در جامعه و هم چنین زندگی اقتصادی مهم‌ترین نقش را دارند، همیشه اتفاق نظر وجود داشته است. با این وجود، نقش زنان نه تنها به وسیله‌ی نظام اقتصادی، بلکه به وسیله‌ی عوامل فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نزدیک به پنجاه درصد جمعیت فعال اقتصادی را زنان تشکیل می‌دهند، در حالی که میزان فعالیت زنان در کشورهای در حال توسعه کمتر است. نقش زنان در بازار کار ایران نیاز به بررسی از جنبه‌های مختلف به ویژه توسعه منابع انسانی، ارزش‌های اجتماعی، شرایط خانوادگی و سیاست‌های اشتغال دارد. از میزان مشارکت اقتصادی افراد در جامعه غالباً به میزان کل (خام) فعالیت اقتصادی تعبیر می‌شود. این میزان عبارت از نسبت کل جمعیت فعال اقتصادی به کل جمعیت (همه‌ی سنین) است.

حداقل محدوده‌ی سنی برای جمعیت فعال اقتصادی سن پانزده سال و بالاتر است زیرا به کارگیری افراد زیر پانزده سال منع قانونی دارد. اما در ایران افراد زیر پانزده سال جزء بازار کار به حساب می‌آیند. بنابراین، برای به حساب آوردن کل نیروی کار بهتر است که همه‌ی افراد از هر دو جنس، که نخیره‌ی نیروی کار را تشکیل می‌دهند، به عنوان مبنا در نظر گرفته شود. در آغاز بحث داده‌های مربوط به جمعیت فعال اقتصادی ده ساله و بالاتر ارائه می‌شود. جدول شماره‌ی (۱) جمعیت فعال اقتصادی زنان و مردان طی بیش از چهار دهه گذشته را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی (۱) جمعیت فعال اقتصادی ۱۰ ساله و بالاتر ۱۳۳۵-۱۳۸۱* (میلیون نفر)

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۷۷	۱۳۸۰	۱۳۸۱
جمعیت کلی زنان	۶/۲۴	۸/۲۰	۱۱/۲۰	۱۶/۰۳	۲۲/۳۷	۲۸/۰۳	۳۱/۶۱	۳۲/۰۰
جمعیت فعال زنان	۰/۵۷	۱/۰۳	۱/۴۴	۱/۳۰	۲/۰۳	۲/۶۳	۳/۴۷	۳/۴۲
میزان فعالیت زنان (%)**	(۹/۲)	(۱۲/۵)	(۱۲/۹)	(۸/۱)	(۹/۱)	(۹/۳۷)	(۱۱/۷)	(۱۰/۷)
میزان فعالیت مردان (%)	(۸۳/۹)	(۷۷/۴)	(۷۰/۷)	(۶۸/۳)	(۶۰/۷)	(۶۰/۷۵)	(۶۰/۴)	(۶۲/۸)
میزان فعالیت کل (%)	(۴۷/۴)	(۴۶/۱)	(۴۲/۵)	(۳۸/۹)	(۳۵/۳)	(۲۸/۷۴)	(۳۶/۵)	(۳۷/۲)

* سرشماری مرکز آمار ایران هر ده سال یک بار انجام می‌شود. آمار مربوط به سال‌های ۱۳۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵ و ۷۵ حاصل از سرشماری و مابقی آمارها نمونه‌ای است.
** اعداد درون پرانتز در این جدول و جدول‌های دیگر نشانه‌ی درصد هستند.
مأخذ: مرکز آمار ایران

جدول شماره‌ی (۱) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۱ فقط ۱۰/۷ درصد از زنان ایرانی از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی از هر ده زن فقط یک نفر در خارج از خانه مشغول به کار یا در جستجوی کار بوده است. حقایق بسیاری در ورای این اعداد نهفته است. اول این که میزان ۱۰/۷ درصدی فعالیت زنان ایرانی در مقایسه با فعالیت ۶۲/۸ درصدی مردان ایرانی بسیار پایین است؛ اگر چه هر دو در مقایسه با کشورهای دیگر پایین‌تر

نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران ۸۴

هستند (نگاه کنید به بخش بعدی). ثانیاً، میزان فعالیت زنان ایرانی در مقایسه با زنان کشورهای دیگر بسیار پایینتر است. این مقدار برای منطقه‌ی جغرافیایی که ایران در آن قرار دارد، در سال ۱۳۸۱ بیش از ۴۷ درصد و متوسط جهانی آن ۳۷ درصد بود. نتایج مطالعه‌ای که زراءنژاد (M. Zarra Nezhad, 1998) انجام داده است، نشان داد که میزان مشارکت زنان در ایران در میان بیش از صد کشور مورد مطالعه کمترین است. ثالثاً، در سال ۱۳۸۱ میزان فعالیت زنان تنها اندکی بیشتر از مقدار آن در سال ۱۳۳۵ و کمتر از میزان آن در چهل سال پیش بود. این در حالی است که جهان در این مدت شاهد یک افزایش عمومی قابل توجه در میزان فعالیت زنان بوده است.

بنابراین، واضح است که میزان مشارکت اقتصادی زنان ایرانی کاملاً پایین است. این امر به نوبه‌ی خود منجر به پایین آمدن میزان کل فعالیت اقتصادی در کشور در مقایسه با کشورهای دیگر می‌شود. زنان غیرفعال اقتصادی در سنین پانزده سال به بالا اغلب خانه‌دار هستند. از آن جا که سن متوسط ازدواج برای دختران ایرانی تقریباً ۲۳ سال است، زنان غیرفعال اقتصادی ۲۳ سال و بالاتر به عنوان زنان خانه‌دار در نظر گرفته شده اند.

جدول شماره‌ی (۲) زنان غیرفعال اقتصادی پانزده ساله و بالاتر در ۱۳۸۰-۱۳۸۲

(به هزار نفر)

سال	کل	خانه‌دار	محصل	بازنشسته	سایر
۱۳۸۰	۸۸/۳۱	۵۷/۴۴	۲۶/۱۴	۱/۷۴	۳/۰
۱۳۸۱	۸۸/۴	۵۸/۳	۲۵/۸	۱/۴	۲/۹
۱۳۸۲	۸۹/۱	۵۸/۱	۲۶/۷	۱/۴	۳/۰

مأخذ: مرکز آمار ایران

جدول شماره‌ی (۲) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۲، تقریباً ۵۸ درصد از زنان پانزده سال و بالاتر عموماً به دلیل خانه‌داری و ۲۶/۷ درصد به دلیل اشتغال به تحصیل در فعالیت‌های اقتصادی و تولید ملی به طور مستقیم شرکت ندارند.

۳- اشتغال زنان

مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی نه تنها در توسعه‌ی ظرفیت‌ها و توانایی‌های زنان، بلکه در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی جامعه نقشی کلیدی دارد. کشوری که به دنبال توسعه یا تسریع فرایند توسعه است، نمی‌تواند نیمی از نیروی انسانی خود را نادیده بگیرد. جامعه هنگامی توسعه می‌یابد که همه‌ی اعضای جامعه - اعم از زن و مرد - فرصت برابر و انگیزه‌ی قوی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را داشته باشند. مشارکت اجتماعی زنان و دختران در عرصه‌های اجتماعی و دانشگاهی نسبت به سال‌های گذشته بیشتر شده است به طوری که ۶۴ درصد از متقاضیان شرکت در آزمون استخدام ادواری ۱۳۸۳، دختران بوده‌اند. با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، نگرش عمومی نسبت به اشتغال و تحصیل دختران تغییر یافته است و این امر باعث شده است که نیروی کار زنان افزایش یابد. بر اساس تحقیقات صورت گرفته، در سال ۱۳۸۵ تعداد نیروی کار زنانی که وارد بازار کار می‌شوند، با مردان برابر خواهد شد و در سال ۱۳۹۰ نیز عرضه‌ی نیروی کار زنان یک و نیم برابر مردان می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳).

۳-۱- میزان اشتغال

با توجه به میزان پایین فعالیت اقتصادی زنان، واضح است که تعداد زنان شاغل چه از نظر نسبی و چه از نظر مطلق خیلی پایین است. علی‌رغم موانع قانونی، تعدادی از دختران زیر پانزده سال به کار اشتغال دارند که بیشتر آن‌ها زیر سن ده تا چهارده سال هستند. بنابراین، جدول زیر درصد زنان شاغل ده سال به بالا را در نظر می‌گیرد تا تصویر واقعی‌تری از مقدار اشتغال زنان ارائه دهد.

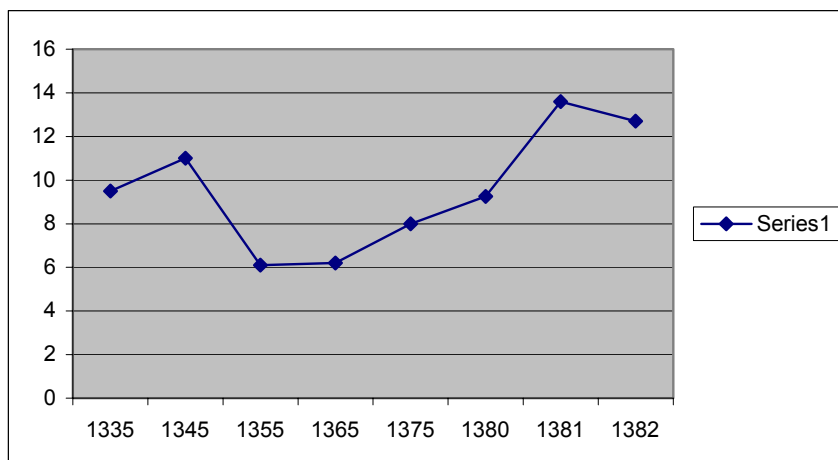
جدول شماره‌ی (۳) زنان شاغل ده ساله و بالاتر در دوره‌ی ۱۳۳۵-۱۳۸۲ (درصد)

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
زنان شاغل(%)	(۹/۵)	(۱۱/۰)	(۶/۱)	(۶/۲)	(۸/۰)	(۹/۲۵)	(۱۳/۶)	(۱۲/۷)

مأخذ: مرکز آمار ایران

همان گونه که در جدول شماره‌ی (۳) و نمودار شماره‌ی (۱) ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۸۲ نسبت زنان شاغل ده ساله و بالاتر نسبت به جمعیت زنان ده ساله و بالاتر ۱۲/۷ درصد بود که نسبت به یک سال قبل تقریباً یک درصد کاهش نشان می‌دهد. این نسبت در سال ۱۳۴۵ به میزان ۱۱ درصد بوده است، اما از آن به بعد تا ۱۳۸۰ روندی نزولی طی کرده است. بنابراین، سه نکته روشن می‌شود: اول، در سال ۱۳۸۲ (و پیش از آن) فقط اندکی از زنان شاغل بودند؛ دوم، از دهه‌ی ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ نسبت زنان شاغل کاهش یافته است؛ و سوم، نسبت به زنان شاغل در سال ۱۳۸۲ تنها ۱/۷ درصد بیشتر از این نسبت در چهل سال پیش است؛ به عبارتی دیگر پس از گذشت چهل سال هنوز میزان اشتغال زنان تغییر محسوسی نکرده است. وضعیت اشتغال زنان در مناطق روستایی و شهری از میزان اشتغال و روند تغییرات آن در دوره‌ی ۱۳۳۵-۱۳۸۱ نسبتاً مشابه بوده است. در سال ۱۳۸۱ نسبت زنان شاغل در مناطق روستایی کمی بیشتر از این نسبت در سال ۱۳۳۵ بوده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲)

نمودار شماره‌ی (۱) زنان شاغل ده ساله و بالاتر در دوره ۱۳۳۵-۱۳۸۲



مأخذ: برگرفته از جدول شماره‌ی (۳)

۲-۳- میزان بی‌کاری زنان

علی‌رغم این که زنان سهم کمی در اشتغال داشته‌اند، بی‌کاری در میان آنان طی چند دهه‌ی اخیر افزایش یافته است. جدول زیر تعداد و نسبت زنان غیر شاغل ده ساله به بالا را طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۱ نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی (۴) زنان بی‌کار با سن ده ساله و بالاتر در دوره‌ی ۱۳۳۵-۱۳۸۲

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۱	۱۳۸۲
جمعیت زنان فعال اقتصادی	۵۷۵/۶	۹۹۹/۸	۲۰۵۰/۴	۱۳۱۹/۷	۳۱۶۱/۰	۴۴۲۱/۰	۳۵۴۰/۱
کل	۲/۳	۸۹/۸	۲۰۲/۱	۳۳۲/۶	۵۹۷/۴۲	۷۸۶/۸۳	۷۷۸/۸۲
درصد	(۰/۴)	(۹/۰)	(۹/۹)	(۲۵/۳)	(۱۸/۹)	(۲۳)	(۲۲)
شاخص (۱۳۳۵=۱۰۰)	۱۰۰	۲۴۷۵	۱۷۲۷	۶۳۰۰	۴۷۲۵	۵۷۵۰	۵۵۰۰

مأخذ: مرکز آمار ایران

در سال ۱۳۳۵ تقریباً ۰/۴ درصد از زنان فعال اقتصادی بی‌کار بودند. اما پس از یک دهه در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۲۲ برابر افزایش یافت و پس از یک اوج در سال ۱۳۶۵ در دهه‌های بعد اندکی کاهش نشان داد و در سال ۱۳۸۲ تقریباً دو برابر میزان بی‌کاری مردان شد. در سال ۱۳۸۲ تقریباً ۲۲ درصد از زنان فعال اقتصادی بی‌کار بودند. علاوه بر نرخ بالای بی‌کاری طی دوره‌ی مورد مطالعه، مدت بی‌کاری زنان (و مردان) نیز فرآیندی طولانی داشته است (جدول ۵).

جدول شماره‌ی (۵) طول مدت بی‌کاری در میان زنان با سن ده ساله و بالاتر در ۱۳۸۰-۱۳۸۲ (درصد)

شرح	سال	کل	تا یک سال	۱ تا ۹/۱	۲ تا ۹/۲	۳ سال بیشتر
زنان بی‌کار	۱۳۸۰	(۱۰۰)	(۲۱/۸۷)	(۲۹/۸۲)	(۲۳/۴۸)	(۲۴/۴۸)
و	۱۳۸۱	(۱۰۰)	(۲۴/۱)	۲۷/۹	۲۳/۳	(۲۴/۷)
جویای کار	۱۳۸۲	(۱۰۰)	(۱۸/۱)	۲۷/۶	۲۳/۴	(۳۰/۹)

مأخذ: مرکز آمار ایران

جدول شماره‌ی (۵) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۲ تقریباً ۳۱ درصد از زنان بی‌کار بیش از سه سال در جستجوی کار بوده‌اند و ۷۸ درصد از زنان بی‌کار بیشتر از یک سال بی‌کار بوده‌اند.

۳-۳- ساعات کار

جنبه‌ی دیگر اشتغال مربوط به ساعات کار در هر روز یا هفته است. در ایران همانند کشورهای دیگر، ساعت کاری زنان از مردان کمتر است. در حالی که متوسط ساعات کار هفتگی در ایران در سال ۱۳۸۲ (زنان و مردان) ۵۱/۲ ساعت بود، متوسط ساعات کار زنان فقط ۴۰/۱ ساعت بود. این رقم تقریباً ده ساعت کمتر از ساعات کار مردان (۵۲/۸ ساعت در هفته) بود. کار نیمه وقت برای زنان متأهل در اغلب کشورها به اشتغال زنان کمک شایانی کرده است، در حالی که در ایران کمتر به نقش و اهمیت کارهای نیمه وقت و پاره وقت توجه شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲).

۴- شغل زنان

زنان اغلب به کارهایی مشغول هستند که مستلزم مهارت یا آموزش اندک و با دستمزد پایین است. از جدول زیر می‌توان به این حقیقت دست یافت.

جدول شماره‌ی (۶) توزیع زنان فعال اقتصادی ده ساله و بالاتر در ۱۳۸۰-۱۳۸۱ (درصد)

شرح	۱۳۸۰	۱۳۸۱
قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران	۱/۷۱	۱/۶
متخصصان	۲۱/۸۸	۲۰/۷
تکنسین‌ها و دستیاران	۴/۵۵	۴/۵
کارمندان امور دفتری و اداری	۵/۲۷	۵/۵
کارکنان خدماتی و فروشندگان در بازار	۴/۵۳	۴/۷
کارکنان ماهر، کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری	۲۷/۰۳	۳۰/۴
صنعتگران و کارکنان شاغل مرتبط	۳۰/۸۵	۲۶/۹
متصدیان ماشین‌آلات و دستگاه‌ها، مونتاژ کارها و رانندگان وسایل نقلیه	۰/۳۶	۰/۵
کارگران ساده	۳/۵۲	۴/۵
سایر اظهار نشده	۰/۲۹	۰/۵
جمع	(۱۰۰)	(۱۰۰)

مأخذ: مرکز آمار ایران

جدول شماره‌ی (۶) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۱ فقط ۲۶/۸ درصد از زنان فعال اقتصادی در کارهای نسبتاً نیازمند مهارت (سه دسته‌ی اول مذکور در جدول) مشغول بوده‌اند. این نسبت در سال ۱۳۸۰، ۲۸ درصد بوده است. این امر نشانه‌ی عدم موفقیت چشمگیر زنان در دستیابی به مشاغل حرفه‌ای و در مرحله‌ی بعد به مشاغل اداری بوده است.

زنان عمدتاً متمایل به کار در مشاغل خدماتی بوده‌اند. مشاغل خدماتی به سه بخش تقسیم می‌شوند: بخش آموزشی شامل معلمان و کارمندان مراکز تربیتی و بخش

نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران ۹۰

درمانی شامل پرستاران، ماماها و پزشکان و بخش خدمات اداری شامل منشیان و شاغلان اداری دیگر است. زنانی که در بخش‌های صنعتی کار می‌کنند، اندک هستند و عدم اشتغال آن‌ها در صنایع ساختمان معدن و آب و برق بسیار محسوس است (جدول شماره‌ی ۷)

جدول شماره‌ی (۷) زنان فعال اقتصادی ده ساله و بالاتر در سال ۱۳۳۵ و ۱۳۸۲ (هزار نفر)

۱۳۸۲		۱۳۳۵		شرح
زنان فعال اقتصادی		زنان فعال اقتصادی		
درصد	کل	درصد	کل	
(۲۲/۳)	۵۹۷۸	(۲۴/۹)	۱۴۳/۲	کشاورزی*
(۳/۴)	۳۰	(۰/۰۷)	۰/۴	معدن
(۲۶/۵)	۵۸۰	(۴۸/۳)	۲۷۷/۷	تولیدی
(۰/۷)	۱۱۵	(۰/۲۴)	۱/۴	ساختمان
(۹/۱۶)	۱۲۹	(۰/۰۵)	۰/۳	برق، گاز، آب بهداشتی
(۳۷/۰)	۱۷۹۷	(۲۶/۷)	۱۵۰/۲	خدماتی و غیره

* شامل شکار، جنگل‌بانی و ماهیگیری است.

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بی‌کاری خانوار.

جدول شماره‌ی (۷) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۲ در حدود ۲۶/۵ درصد از زنان فعال اقتصادی در بخش تولیدی، ۳۷ درصد در بخش خدمات و ۲۲/۳ درصد در بخش کشاورزی مشغول بودند، در حالی که کمتر از سیزده درصد در ساختمان، معدن، برق، گاز آب و خدمات بهداشتی اشتغال داشتند یا در این بخش‌ها در جستجوی کار بوده‌اند. این امر نشان می‌دهد که زنان در ترکیب جمعیت فعال بیشتر در مشاغل خدماتی، تولیدی، کشاورزی و کمتر در سایر مشاغل جذب می‌شوند. تحقیقات انجام شده در سطح استانی و مطالعات موردی نشان می‌دهد که زنان در بخش روستایی،

چه از نظر اقتصادی فعال به حساب بیایند یا نه، در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری و صنایع دستی مشغولند. به همین دلیل نسبت زنان شاغل در فعالیت‌های تولیدی در مناطق روستایی، و بنابراین در کل کشور، نسبتاً بالا است. زنان (و مردان) روستایی در فعالیت‌هایی مانند قالی‌بافی و نساجی که به صورت پاره وقت و با دستمزد است، اشتغال دارند. در مناطق روستایی، روستاییان به واسطه‌ها و دلالتان برای پیش‌فروش محصولات خود وابسته هستند.

زنانی که در بخش شهری مشغولند، اگر چه تعدادشان اندک است، اغلب به کارهای دستی و بسته‌بندی در نساجی، غذاسازی، محصولات شیمیایی، کفاشی، پوشاک و کاغذ و صنایع شیشه می‌پردازند. در سال ۱۳۸۲، تقریباً ۳۲ درصد از زنان در بخش عمومی و تعاونی و ۶۸ درصد در بخش خصوصی اشتغال داشتند. تقریباً شصت درصد از زنان شاغل در بخش خصوصی و عمومی به عنوان کارمند به کار اشتغال داشتند و ۲۶/۲ درصد از آنان به فعالیت‌های خود اشتغالی می‌پرداختند و ۴۴/۱ درصد دیگر به عنوان کارکنان فامیلی به کار گرفته می‌شدند.

Archive of SID

جدول شماره‌ی (۸) زنان شاغل ده ساله به بالا از نظر شغل و بخش، ۱۳۸۰-۱۳۸۲ (هزار نفر)

شرح	سال	کل	بخش تعاونی	بخش عمومی	بخش خصوصی				
					کل	کارفرما	شاغل	کارمند	کارکنان فامیلی
زنان	۱۳۸۰	(۱۰۰)	(۰/۱)	(۲۹/۰۰۲)	(۷۰/۸۰)	(۱/۱)	(۳۱/۰)	(۲۱/۱)	(۴۶/۶)
شاغل	۱۳۸۱	(۱۰۰)	(۰/۱)	(۲۷/۶۱)	(۷۲/۲)	(۱/۵)	(۲۲/۹)	(۲۳/۰)	(۵۲/۴)
	۱۳۸۲	(۱۰۰)	(۰/۱)	(۳۱/۹۸)	(۶۷/۹۱)	(۱/۷)	(۲۶/۲)	(۲۷/۹)	(۴۴/۱)

مأخذ: مرکز آمار ایران

۵- سواد زنان

از آن جا که سطح سواد زنان یکی از علل پایین بودن میزان فعالیت آنان به شمار می‌رود، این بخش به سواد زنان در ایران می‌پردازد. طی سال‌های گذشته تعداد زنان با سواد به طور قابل توجهی افزایش یافته است. توجه به جدول زیر این واقعیت را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی (۹) جمعیت زنان با سواد (همه‌ی سنین) در مقایسه با مردان با سواد

۱۳۸۲-۱۳۳۵ (میلیون نفر)

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
زنان با سواد	کل	۰/۵	۱/۶	۴/۷	۹/۸	۱۴/۹	۲۴/۸۹	۲۶/۳۰
	درصد	(۵/۴)	(۱۲/۹)	(۲۸/۹)	(۴۰/۵)	(۵۵/۰)	(۷۶/۹۷)	(۷۷/۸)
مردان با سواد	کل	۱۰۰	۳۲۰	۹۴۰	۱۹۸۰	۲۹۸۰	۴۸۶۶	۴۹۷۸
	درصد	(۱۴/۶)	(۲۹/۱)	(۷۴/۱)	(۵۵/۷)	(۶۶/۳)	(۸۶/۰۷)	(۸۷/۲)
	شاخص (۱۳۳۵=۱۰۰)	۱۰۰	۲۷۹	۵۸۶	۱۰۰۷	۱۳۶۴	۲۰۸۹	۲۱۱۷

مأخذ: مرکز آمار ایران

مطابق با جدول شماره‌ی (۹)، در سال ۱۳۸۲ نسبت زنان با سواد به کل جمعیت زنان تقریباً ۸۰ درصد بود، در حالی که در سال ۱۳۳۵ از هر صد نفر تنها ۵ نفر باسواد بودند. با توجه به داده‌های ارائه شده، اولاً، رشد نسبت جمعیت باسواد کشور از رشد جمعیت سریع‌تر بوده است؛ و ثانیاً، تعداد مردان باسواد از تعداد زنان باسواد بیشتر است و شکاف بین این دو نسبت هنوز زیاد است. اما، میزان افزایش جمعیت باسواد زنان خیلی سریع‌تر از مردان بوده است. شاخص سال ۱۳۸۲ برای زنان (۱۰۰=۱۳۳۵) برابر با ۵۲۶۰ و برای مردان ۲۲۱۵ است.

در مورد دانش‌آموزان، اطلاعات موجود نشان می‌دهد که طی سال تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۲ بیش از ۱۷/۱ میلیون دانش‌آموز در ایران وجود داشته است که ۹/۵ میلیون نفر آن‌ها پسر و ۸/۵ میلیون دختر بوده است. بیش از ۷/۰۲ میلیون نفر از دانش‌آموزان ایرانی در سطح ابتدایی تحصیل می‌کرده‌اند. در همان سال، ۴۷ درصد از دانش‌آموزان دختر بودند، حال آن که این درصد نسبت در سال تحصیلی ۱۳۵۶-۵۷ تنها حدود ۱۲ درصد بود.

در مورد سطح سواد زنان در روستاها، آمار نشان می‌دهد که این سطح در مناطق شهری و روستایی هنوز متفاوت است (جدول شماره‌ی ۱۰).

جدول شماره‌ی (۱۰) سطح سواد در میان زنان (همه‌ی سنین) با توجه به منطقه
۱۳۳۵-۱۳۸۲ (درصد)

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
شهری	(۱۴/۳)	(۲۹/۶)	(۵۴/۸)	(۵۴/۸)	(۸۱/۶)	(۸۳/۴)	(۸۴/۲)	(۸۵/۰)
روستایی	(۰/۷)	(۳/۱)	(۱۲/۶)	(۲۸/۰)	(۶۲/۴)	(۶۸/۴)	(۶۹/۸)	(۶۹/۶)
کل کشور	(۵/۴)	(۱۲/۹)	(۲۸/۹)	(۴۰/۵)	(۷۴/۲)	(۷۶/۹)	(۷۸/۰)	(۷۹/۷)
شاخص باسوادی	۱۰۰	۲۳۸	۵۳۵	۷۵۰	۱۳۷۴	۱۴۲۴	۱۴۴۴	۱۴۵۷

مأخذ: مرکز آمار ایران

در سال ۱۳۸۲ فقط ۶۹/۶ درصد از زنان روستایی با سواد بودند، حال آن که ۸۵ درصد از زنان شهری از سواد بهره‌مند بودند. این نسبت‌ها در سال ۱۳۳۵ به ترتیب ۰/۷ درصد و ۱۴/۳ درصد بود. پس سواد در میان زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری خیلی سریع‌تر رشد کرده است، اگر چه هنوز پایین است. واضح است که میزان باسوادی در میان زنان، به خصوص در مناطق روستایی، به سرعت رشد داشته، اگر چه هنوز مقدار آن پایین است. اما این بهبودی به افزایش چشمگیری در مشارکت زنان در فعالیت اقتصادی منتهی نشده است. پس دلایل را باید در جای دیگری جستجو کرد؛ میزان پایین باسوادی و کم سواد بودن شک در این مورد دخیل است.

۶- قوانین و مقررات حمایت‌کننده از زنان شاغل

شاید یکی از عوامل پایین بودن میزان فعالیت اقتصادی زنان حمایت قانون کار و مقررات مربوط از زنان شاغل است. حمایت قانونی از زنان شاغل پس از انقلاب بهبود یافته است. بنا به قانون کار، زنان از اشتغال به کارهای سخت و خطرناک معاف شده‌اند. به زنان مرخصی زایمان داده می‌شود. به زنان زمانی داده می‌شود تا به فرزندانشان شیر دهند و این وقت جزء ساعت کاری آن‌ها به حساب می‌آید. علاوه بر این، زنان حق دارند در محل کار برای فرزندانشان تقاضای تسهیلات کنند و کارفرمایان ملزم به فراهم کردن آن هستند. (قانون کار ایران)

به نظر می‌آید که حمایت قانونی از زنان شاغل باعث می‌شود که کارفرمایان بخش خصوصی و حتی مؤسسات دولتی کمتر مایل به استخدام زنان باشند، مگر این که استخدام آنان ضروری باشد. البته، حمایت قانونی از زنان شاغل لازم است و به منظور اجتناب از صدمه زدن به مسؤولیت‌های دیگر آن‌ها، قانون باید از زنان حمایت کند. البته این حمایت تنها شرط لازم است. برای حمایت از استخدام زنان، باید برای آنان شرایط مساوی برای رقابت با مردان فراهم آورد. برای رسیدن به این هدف، فراهم آوردن شرایطی که تحت آن زنان بتوانند همانند مردان به کار دسترسی داشته باشند، غیرقابل اجتناب است. این حمایت شرط کافی است. به منظور فراهم آوردن

فرصت برابر برای اشتغال زنان، کارفرمایان نباید برای به کارگیری زنان متحمل هزینه‌ی اضافی شوند؛ در غیر این صورت، قاعدتاً آن‌ها ترجیح می‌دهند که مردان را استخدام کنند. لازم است دولت در مراحل اولیه و به منظور ایجاد فرصت‌های برابر هزینه‌ی اضافی اشتغال زنان را به عهده بگیرد.

علاوه بر این، زنان باید فرصت تحصیل، آموزش و افزایش مهارت‌هایشان را پیدا کنند. این فرصت باعث افزایش کارایی زنان می‌شود و به همین دلیل بهتر می‌توانند در بازار کار به رقابت بپردازند. به طور خلاصه، دولت نباید برای استخدام زنان به کارفرمایان هزینه‌ی اضافی تحمیل کند و در عوض باید برای بهبود شرایط تحصیل، آموزش و مهارت زنان تلاش کند تا این وضعیت منتهی به بهره‌مند شدن زنان از شرایط مساوی و استخدام زنان شود. با این وجود، تولد نوزاد و حق شیر دادن باعث ایجاد وقفه در اشتغال زنان می‌شود و این ممکن است مانع ارتقای آنان شود و تمایل کارفرمایان به استخدام زنان را کاهش دهد.

۷- جنبه‌های متفاوت اشتغال زنان

می‌توان اشتغال زنان را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرد. بخش‌های بعد به بررسی سه جنبه می‌پردازد: اول، مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان؛ دوم، نیاز شخصی زنان به اشتغال و نیاز جامعه به استخدام زنان؛ و سوم، وظایف سه‌گانه‌ی خاص زنان شامل همسری، خانه‌داری و مادری.

۷-۱- پایین بودن میزان فعالیت اقتصادی زنان

به منظور دستیابی به توسعه و آسایش و ارتقای عزت انسان، استفاده‌ی بهینه از منابع و مهارت‌های انسانی دارای اهمیتی فراوان است. نمی‌توان به این مهم دست یافت، مگر همه‌ی تلاش‌ها به سوی تشویق و تسهیل مشارکت مؤثر مردم در جامعه منعطف شود. مشارکت باید از دو جهت اساسی در نظر گرفته شود: به حساب آوردن همه‌ی مردم و استقبال از همه‌ی فعالیت‌ها. در این خصوص و در ارتباط با فعالیت زنان بیشترین توجه و تأکید تا کنون معطوف به مشارکت مؤثر زنان در فعالیت‌های اجتماعی شده است. با این که فراهم آوردن شرایط مورد نیاز برای مشارکت زنان در

فعالیت‌های اقتصادی جامعه بسیار ضروری است، فعالیت‌های اقتصادی زنان تا حدود زیادی مورد غفلت قرار گرفته است. از این رو، مشارکت زنان در جامعه‌ی ایران بیشتر از جنبه‌های اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، در حالی که اهمیت فعالیت اقتصادی زنان به عنوان پیش نیاز توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی تحت‌الشعاع قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که اهمیت مشارکت زنان در فعالیت‌های غیراقتصادی نسبت به فعالیت‌های اقتصادی آنان بیشتر مورد توجه و پذیرش جامعه‌ی ایرانی قرار گرفته است. ولی اهمیت فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان نباید فعالیت‌های اقتصادی آنان را تحت تأثیر قرار دهد.

۲-۷- نیاز زنان به اشتغال

علاوه بر نیاز جامعه به اشتغال زنان، آنان اغلب برای کمک به خانواده، تضمین آینده و حتی به عنوان نان آور به اشتغال نیازمندند. این امر که مردان مسؤوّل تأمین مخارج زندگی هستند، با نیاز شخصی زنان به اشتغال منافاتی ندارد.

نگاهی به دیدگاه اسلام درباره‌ی اقتصاد خانواده نشان می‌دهد که زنان این حق را دارند که در مقابل کاری که در خانه انجام می‌دهند و حتی شیردادن نوزاد درخواست دستمزد کنند. این امر تأکید و تاییدی است بر این که زنان نیاز به اشتغال و استقلال اقتصادی دارند.

۳-۷- تمایز بین وظایف زنان

جنبه‌ی دیگر اشتغال زنان تمایز میان وظایف سه گانه‌ی خانوادگی آنان به عنوان همسر، خانه‌دار و مادر است. قاعداً هیچ یک از این وظایف نباید مانع از استخدام آنان شود. هر یک از مسؤولیت‌های زنان در برگیرنده‌ی وظایفی ویژه است. وظیفه‌ی همسر بودن لزوماً باعث انفعال اقتصادی زنان در جامعه نمی‌شود. وظیفه‌ی خانه‌داری نشان می‌دهد که زنان نقش مهمی در مدیریت خانه دارند؛ اما این وظیفه‌ای مشترک بین زن و مرد است. مسؤولیت‌های زندگی بین زن و مرد تقسیم شده است و باید زندگی مشترک زن و مرد در کانون خانواده فرآیند هماهنگی باشد. برخلاف تلقی عموم، خانه‌داری تنها به زنان سپرده نشده است. قبول و انجام وظایف خانه‌داری از

جانب زنان به معنی عدم مسؤولیت‌پذیری مردان در امر خانواده نیست. همان گونه که عقالاً وظیفه مردان خللی در شغل آنان ایجاد نمی‌کند، وظیفه‌ی خانه‌داری زنان نباید عمالاً با اشتغال آنان تضادئی داشته باشد. اگر چه وظیفه‌ی مادری در تربیت فرزندان نقش کلیدی دارد، اما نباید وظیفه‌ی پدری را کم رنگ جلوه دهد یا از بین ببرد. این دو وظیفه به هم مرتبط هستند و مکمل یک دیگرند. وظیفه‌ی مادری همانند وظیفه‌ی پدری قاعدتاً نباید با اشتغال تضادی داشته باشد. بنابراین، هیچ یک از وظایف زنان منطقالاً با اشتغال آنان تضادی ندارد.

برای این که نیازهای یک حرفه با اقتضائات خانه‌داری هماهنگی داشته باشد، زنان ترجیح می‌دهند که به کار نیمه وقت یا پاره‌وقت بپردازند، به خصوص هنگامی که هنوز فرزند کوچک دارند. مشاغل نیمه یا پاره وقت از نظر شرایط مختلف مانند حقوق، امنیت شغلی و شرایط کاری در مقایسه با شغل تمام وقت از مطلوبیت کمتری برخوردارند. با این وجود، افزایش فرصت‌های شغلی نیمه یا پاره وقت یکی از راه‌های افزایش اشتغال زنان است.

البته واضح است که زنان مجرد از نظر وظایف و مشارکتشان در فعالیت‌های اقتصادی با زنان متأهل متفاوت هستند؛ چون زنان مجرد وقت بیشتری برای کار و وظایف کمتری نسبت به زنان متأهل دارند (جدول شماره‌ی ۱۱).

جدول شماره‌ی (۱۱) زنان فعال اقتصادی بالای ده سال از لحاظ وضعیت ازدواج
در ۱۳۸۰-۱۳۸۲ (درصد)

شرح	سال	کل	متأهل	بیوه	مطلقه	مجرد
شاغل	۱۳۸۰	(۱۰۰)	(۶۳/۵)	(۴/۳)	(۲/۹)	(۲۹/۱)
	۱۳۸۱	(۱۰۰)	(۶۳/۱)	(۴/۱)	(۱/۶)	(۳۱/۲)
	۱۳۸۲	(۱۰۰)	(۶۴/۰)	(۳/۹)	(۱/۸)	(۳۰/۳)
بی‌کار و جویای کار	۱۳۸۰	(۱۰۰)	(۱۸/۲)	(۰/۸)	(۰/۸)	(۸۰/۰)
	۱۳۸۱	(۱۰۰)	(۱۸/۴)	(۰/۹)	(۰/۸)	(۷۹/۸)
	۱۳۸۲	(۱۰۰)	(۲۰/۱)	(۰/۵)	(۰/۸)	(۷۸/۴)

مأخذ: مرکز آمار ۱۳۸۱

همان گونه که جدول شماره‌ی (۱۱) نشان می‌دهد، در سال ۱۳۸۲ تقریباً ۲۰/۱ درصد از زنان بی‌کار جویای کار متأهل و ۷۸/۴ درصد از آن‌ها مجرد هستند. یعنی نیاز به مرخصی زایمان و مراقبت از کودکان، زنان را از کار غافل نکرده است و ۶۴ درصد از زنان شاغل در سال ۱۳۸۲ متأهل بوده‌اند. (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، ۱۳۸۱)

۸- چرا در ایران میزان مشارکت اقتصادی زنان پایین است؟

در سال‌های پس از انقلاب دو مقوله مورد توجه قرار گرفت. اول زنان در شکل‌گیری انقلاب نقش قابل توجهی داشتند. این نشان‌دهنده‌ی دانش زنان و مشارکت روزافزون آنان در جامعه است، ولی این امر به توسعه‌ی فعالیت اقتصادی زنان منجر نشده است. دوم، پس از انقلاب به دلیل تغییر شرایط به تدریج محیط کار برای زنان از نظر اسلامی تغییر کرده است. این تغییرات قاعده‌تاً محدودیت‌ها و موانع احتمالی اشتغال زنان را به دلیل ملاحظات مذهبی کاهش داده است. با در نظر گرفتن این دو مورد انتظار می‌رفت که میزان فعالیت اقتصادی زنان و مشارکت آنان در جامعه‌ی پس از انقلاب از افزایش چشمگیری برخوردار می‌شد، اما مقدار فعالیت اقتصادی زنان پس از انقلاب و به خصوص وقوع جنگ به جای افزایش به شدت کاهش داشته است. این عوامل موجب شد که میزان فعالیت زنان در سال ۱۳۶۵ تنها به میزان ۵/۴ درصد باشد، اگرچه پس از آن این مقدار اندکی افزایش یافته است.

انتظار می‌رفت که عدم استفاده‌ی بهینه از زنان و مشارکت اندک آنان در فعالیت‌های اقتصادی مورد بحث و بررسی جدی قرار گیرد و در برنامه ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، اما چنین نشد.

براساس آمار شاخص‌های توسعه‌ی انسانی سازمان ملل (Human Development Indicators, 2003) میزان فعالیت اقتصادی زنان از ۵/۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ و سپس به ۱۰/۷ درصد در سال ۱۳۸۱ رسید. ولی این افزایش از عمق عقب‌ماندگی زنان از نظر فعالیت اقتصادی هم در مقایسه با شرایط کشور در چهل سال پیش و هم با روند توسعه‌ی جهانی نمی‌کاهد. تحقیقی که در سال

۲۰۰۱ برای میزان فعالیت زنان پانزده ساله به بالا انجام شده است، حکایت از این دارد که در سال ۱۹۹۷ زنان ایرانی از نظر فعالیت اقتصادی در جهان در بین صد کشور مورد مطالعه در رتبه‌ی صد و ششم بوده است (Zarra Nezhad, 1998). علی‌رغم این بهبود نسبی طی دهه‌ی گذشته، این میزان هنوز بسیار پایین است و این حقیقت که مقدار فعالیت اقتصادی زنان برای مدت چهار سال بدون تغییر مانده است، نیاز به توجه بیشتری دارد. پرسشی که مطرح می‌شود، این است که چرا میزان فعالیت اقتصادی زنان کاهش یافت و چرا این مقدار هنوز به طور عجیبی پایین است؟

تا آن جا که نویسنده می‌داند، این بحث و دلایل آن و علاوه بر آن تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن از سوی اقتصاددانان و جامعه‌شناسان مورد توجه قرار نگرفته است. در این جا تلاش می‌شود دلایل احتمالی پایین بودن میزان فعالیت اقتصادی زنان و نیز دلایل کاهش آن مطرح شود. برخی از این دلایل به شرح زیر است:

۱- کمبود تقاضا برای نیروی کار

۲- در همین ارتباط، وجود بی‌کاری و به خصوص بی‌کاری نسبی مردان در بازار کار موجب شده است که به کارگیری زنان از سوی کارفرمایان کمتر مورد توجه قرار گیرد.

۳- افزون بودن جمعیت جوانان در ساختار جمعیتی کشور

۴- بسیاری از زنان ایرانی (و هم چنین برخی از مردان) شاغل در مشاغل اشتغال دارند که بنا بر تعاریف سازمان جهانی کار جزء آمار جمعیت فعال اقتصادی به شمار نمی‌روند. زنان به خصوص در مناطق روستایی در فعالیت‌های مختلفی همچون کشاورزی، دامداری، مشاغل خانوادگی مشغولند، اما از نظر اقتصادی فعال به حساب نمی‌آیند.

۵- افزایش چشمگیر حضور دختران در مدارس و دانشگاه‌ها

۶- میزان پایین سواد در میان زنان نسبت به مردان

۷- تبعیض بر ضد زنان توسط کارفرمایان به دلایل گوناگون، هم چون قدرت فیزیکی کمتر در مقایسه با مردان و فقدان حمایت‌های قانونی برای شاغلان زن.

۸- تقویم روزانه و هفتگی کار و ساعات غیرقابل انعطاف از حضور فعال زنان متأهل در بازار کار جلوگیری می‌کند. اشتغال پاره‌وقت به راحتی با نیازهای زمانی خانواده مطابقت می‌کند.

۹- بر اهمیت و لزوم حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی تأکید لازم صورت نگرفته است و بنابراین انگیزه‌ی لازم برای حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی در بازار کار به اندازه‌ی کافی ایجاد نشده است.

۱۰- رضایت از مشارکت زنان در برخی از فعالیتهای اجتماعی غالباً از نقش زنان در شکل‌گیری انقلاب ناشی می‌شود. غالباً مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی مناسب‌تر از مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی ارزیابی می‌شود. جامعه فعالیتهای اجتماعی زنان را خیلی با ارزش‌تر از فعالیتهای اقتصادی آنان ارزیابی می‌کند.

۱۱- تفکر رایج و غالب جامعه این است که نان‌آوران خانواده‌ها مردان هستند.

۱۲- تفکر عمومی در زمینه‌ی تقسیم کار بین زن و مرد به گونه‌ای است که زن مسئول کارهای داخل خانه و مرد مسئول کارهای خارج از خانه است.

۱۳- در فرهنگ جامعه وظیفه‌ی زن به عنوان خانه‌دار بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در نتیجه وظیفه‌ی اصلی زن خانه‌داری تلقی شده است.

۱۴- وظیفه‌ی زنان به عنوان مادر برای بزرگ کردن و تربیت فرزندانشان تا به آن حد مورد توجه و تأکید قرار گرفته است که به نظر می‌رسد زن تنها کسی است که باید زندگی خویش را صرف تربیت فرزندان کند. در همین حال، وظایف و مسئولیتهای مردان در این مورد تا حدی نادیده گرفته شده است.

باتوجه به عوامل یاد شده و تأثیر آنها بر کاهش جدی مشارکت زنان ایرانی در فعالیتهای اقتصادی، به نظر می‌رسد که دلیل اصلی پایین بودن میزان فعالیت اقتصادی زنان کمبود تقاضا برای نیروی کار در ایران است و در دسترس بودن تعداد زیادی از مردان بی‌کار یا کم کار برای هر فرصت شغلی زمینه را برای اشتغال زنان محدود کرده است.

با این وجود، شکی نیست که زنان در همه جای کشور با صرف ساعات زیادی به کارهای سخت مشغولند و این کارهای سخت و نامشهود در آمارهای رسمی نه به حساب می‌آید و نه به آن حقوق و دستمزدی تعلق می‌گیرد؛ بی‌تردید این فعالیت‌ها و کارهای طاقت‌فرسا از حدود وظایف خانه‌داری و مراقبت از فرزندان بسیار فراتر می‌رود و همه‌ی عرصه‌ی حیات اقتصادی را در بر می‌گیرد، اگر چه به لحاظ آمار و ارقام ثبت نشود و در برابر دریافت حقوق و دستمزد نباشد.

به هر حال، اگرچه اغلب مردم بقای خانواده را به عنوان نهاد اصلی سازنده‌ی جامعه، وابسته به انجام منظم و مستمر وظایف سه گانه‌ی زنان (همسر‌داری، خانه‌داری و بچه‌داری) می‌دانند، هیچ کس تا کنون نتوانسته است ثابت کند که تنها زنان هستند که همیشه محکوم به انجام دادن این وظایف اساسی می‌باشند.

۹- اشتغال زنان در دنیا

در این جا مناسب است تا وضعیت اشتغال زنان ایرانی را با دیگر زنان دنیا مقایسه کنیم. جایگاه زنان از دیدگاه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در یک کشور با کشور دیگر متفاوت و متغیر است. ولی این تفاوت و تغییر موضوع این تحقیق نیست، این بخش خلاصه‌ای از اشتغال زنان را ارائه می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که اشتغال زنان هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی، به شدت تحت تأثیر سطح توسعه‌ی کشورها است. معمولاً این گونه است که هر چه توسعه بیشتر باشد سهم زنان در نیروی کار بیشتر است. با این حال، این امر به این معنی نیست که در کشورهای توسعه یافته هیچ تبعیضی بر ضد زنان وجود ندارد، بلکه نشانه‌ی این است که هر چه زنان بیشتر تحصیل کرده، آگاه از حقوق، توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود باشند، تبعیض کمتری رخ می‌دهد. با این حال، افزایش اشتغال زنان به معنی کاهش تبعیض بر ضد زنان یا اعتقاد به توانایی و ظرفیت‌های نامحدود آنان نیست. اگر چه در بسیاری از کشورها قوانینی وجود دارد که مانع تبعیض در حقوق بر اساس جنسیت است، با این وجود واقعیت این است که زنان کمتر از مردان حقوق و دستمزد می‌گیرند. در همه‌ی کشورها عایدات زنان از فعالیت‌های اقتصادی به طور

چشمگیری کمتر از مردان است. بر اساس گزارش سازمان جهانی کار، گاهی اوقات دستمزد زنان به طور متوسط ۲۵ درصد کمتر از دستمزد مردان است، حتی در مشاغل یکسان این روند هم چنان نیز ادامه دارد به طوری که در سال ۲۰۰۳ زنان در آلمان به طور متوسط ۳۰ درصد کمتر از مردان درآمد داشتند (جزایری، ۲۰۰۳).

بسیاری از زنان شاغل با مشکلات زیادی هم چون ساعات طولانی کار و حقوق و دستمزد کم رو به رو هستند. کار بسیاری از زنان اغلب مشکل، با دستمزد اندک و بدون ثبات است. این واقعیت باعث شده است که بیشتر زنان شاغل به تدریج به عنوان طبقات فقیرتر نیروی کار دسته‌بندی شوند. به هر حال، امروزه زنان در دنیا با تجربه‌ی مشترکی از وابستگی، عدم دسترسی به حقوق مالکیت، عدم توجه کافی به نقش آنان، دست‌کم گرفتن کار آن‌ها و خود کمتر بینی مواجه هستند. این تبعیض‌ها بر مشارکت زنان در هر سطحی تأثیر سوء می‌گذارد. حس خود کم‌بینی زنان با شکاف در حال رشد بین جنس مرد و زن در دسترسی زنان به دانش، اطلاعات، منابع، فرصت‌ها، قدرت و اختیار هم در داخل و هم در خارج از محدوده‌ی خانه تشدید می‌شود. تبعیض بین مرد و زن از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر تغییر می‌کند، اما مشخصه‌ی اصلی تبعیض تقریباً همه جا با مظاهری چون دسترسی محدودتر به تکنولوژی، تحصیل کمتر، آسایش اندک، دستمزد پایین‌تر ولی ساعات کار بیشتر، چهره‌ی خود را نشان می‌دهند. این جهت‌گیری انعکاسی از توزیع قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در تمامی جهان است، نه فقط در کشورهای در حال توسعه.

۱۰- نتیجه‌گیری

اگر چه مشارکت زنان در جامعه نه تنها در آسایش خود آنان بلکه کل جامعه عامل کلیدی است، فقط ۱۱/۷ درصد از زنان ایرانی در سال ۱۳۸۰ از نظر اقتصادی فعال بودند. این میزان در مقایسه با مردان کشور و زنان دیگر کشورها و علاوه بر آن میزان مربوط به سال ۱۳۳۵ در ایران خیلی پایین است. در جامعه‌ی ایرانی بر اهمیت و لزوم مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی تأکید لازم نشده است تا

انگیزه‌ی لازم و شرایط مناسب برای اشتغال زنان فراهم آید. میزان اشتغال زنان در سال‌های اخیر بسیار نزدیک به این مقدار در چهل سال پیش است. ممکن است میزان پایین‌تر سواد زنان و اعمال تبعیض بر ضد زنان توسط کارفرمایان به علت حمایت‌های قانونی زنان شاغل از جمله دلایل این وضعیت باشد.

مقاله‌ی حاضر به این بحث پرداخته است که هیچ یک از مسؤلیت‌های زنان به عنوان همسر، خانه‌دار، و مادر عقلاً مانع از اشتغال آنان نیست، اگر چه هر مسؤلیتی نیاز به وظایفی دارد. به طور کلی وضعیت زنان از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است، زنان دنیا با تجربه‌ی مشترکی از توجه ناکافی به نقش زنان و دست کم گرفتن کارشان، نه تنها در کشورهای در حال توسعه، بلکه در سراسر جهان رو به رو هستند.

Archive of SID

منابع و مآخذ

- ۱- رسولپور عربی، حسین: «بررسی نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۷۶.
- ۲- جزایری، شیرین: «دستمزد زنان در آلمان»، (سایت www.iran.com، ۲۰۰۳).
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور: «آمارنامه‌ی اشتغال و بی‌کاری خانوار»، سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲.
- ۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور: «تازه‌های آمار»، سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲.
- ۵- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور: «سالنامه‌ی آماری کل کشور»، سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱.
- ۶- شرایعی، پروین: «بررسی روش‌های افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی»، مجله‌ی زیتون، شماره‌ی ۱۳۷۰، سال ۱۳۷۷، صفحه‌ی ۴۵-۴۱.
- ۷- عظیمی، لیلا: «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان مطالعه موردی زنان شهر شیراز»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.
- ۸- علیرضائزاد، سهیلا: «مشارکت زنان در فعالیتهای تولیدی و دگرگونی آن با ورود تکنولوژی: مطالعه‌ی فعالیتهای زراعی زنان روستایی گیلان روستای گوهران»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۹- مرکز آمار ایران: «تحقیقات اشتغال و بی‌کاری»، سال ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳.
- ۱۰- مرکز آمار ایران: «آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بی‌کاری خانوار»، سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۲.
- ۱۱- مرکز امور مشارکت زنان: «بررسی ساز و کارهای مناسب در ایجاد فرصت‌های اشتغال زنان در بخش‌های دولتی»، وزارت کشور، مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰، سایت (www.3irandoc.ac.ir).
- ۱۲- مهدوی، صادق: «بررسی موانع و مشکلات اشتغال زنان در بخش‌های دولتی کشور»، ایسنا، خرداد ۱۳۸۳، سایت (www.womeni iran.org).

۱۳- میرزایی بافقی، مهرانوش: «*تحلیل اقتصادی بهره‌وری و دستمزدهای نیروی کار زنان و مردان در بخش کشاورزی مطالعه‌ی موردی استان کرمان*»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.

۱۴- نقیب‌السادات، سیدرضا: «*وضعیت زنان در روند جهانی شدن*»، فصلنامه‌ی کتاب زنان، شماره‌ی ۱۱، سال ۱۳۸۱.

۱۵- وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای: «*بررسی نحوه‌ی مشارکت زنان در آموزش فنی و حرفه‌ای در رشته‌های مناسب با آنان طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۶۹*»، تهران، وزارت آموزش و پرورش، سال ۱۳۶۹، سایت www.3irandoc.ac.ir.

- 16- Basset, P. “*Declining Female Labour Force Participation*”, Perspective on Labour and Income, Vol. 6, No. 2, Summer 1994.
- 17- Beaudry, P. et al., “*Evolution of the Female Labour Force Participation Rate in Canada 1976-1994: a Cohort Analysis*”, www.csls.ca/events/cea1998/chort.asp.
- 18- Calan, T., B. Nolan, O. Donal and Olive Sweetman, “*Female Labour Supply and Income Inequality in Ireland*”, www.mav.ie/ecedemic/economics/Polf/N790698.
- 19- Delbono, E., “*Total Fertility Rates and Female Labour Force Participation in Great Britain and Italy: Estimation of Reduced form Model Using Regional Panel Data*”, www.aial.it/bacheca/.
- 20- Ling yang, H., “*Education Married Woman's Participation, Fertility and Economic Growth*”, Journal of Economic Development, Vol. 25, No. 2, December 2000.
- 21- UN, “*Human Development Reports*”, 2003, www.undp.org/hdr2003/indicator/indic-223-1-1.htm/.
- 22- Nihar Ranjan Mishra & Sanjay Kumar Mohanty, “*Understanding the Occupational Pattern of Labor Force in States and Districts of India*”, 2003, www.iipsindia.org.
- 23- Zarra Nezhad, M., “*Employment of women in Iran*”, SOAS Economic Digest, Issue 2, No. 2, 1998.